

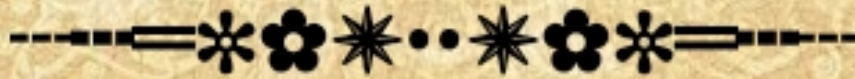
﴿هو الحکیم﴾

عنوان:

جمع علم خداوند به آینده و اختیار

سخنران:

دکتر وحید باقر پور کاشانی



اللَّهُمَّ عَجِّلْ لِي لَوْلِيكَ الْفَرَجَ

خداوند قبل از این که خلق بکنه تک تک مارو می‌دونه که ما بهشتی می‌شیم یا جهنمی می‌شیم، همه رو می‌دونه. قبل از این که امام زمان رو خلق بکنه می‌دونسته که باید غائب بشه و می‌دانسته چه وقت باید ظهور بکنه. خب اگه چنین باشه علم خدا، علم قطعی هست دیگه، مثل ما نظرمون تغیر نمی‌کنه، علم‌مون تغیر نمی‌کنه، علم‌مون به جهل تبدیل نمی‌شه، خب اگه چنین باشه، اساساً اختیار چه معنا داره؟ شمر، در هر حال خدا می‌دانست قبل از این که به دنیا بیاد، شمر امام حسین رو به شهادت می‌رسانه. خب حالا می‌گه شمر خودش، بالاخره آیا خدا علمش تغیر می‌کرد یا نمی‌کرد؟ علم خدا تغیر نمی‌کرد، خب اون می‌شه جبر. یک شبهه‌ای که معمولا مطرح می‌کنن. ببینید در پاسخ به این شبهات، این‌گونه جواب بدید، بگید علم خدا علت نیست، علت نه کار خوب ما هست، نه کار بد ما هست، علم خدا کاشفیت داره، یعنی چی؟ یعنی چون خدا می‌داند، من آدم خوب یا آدم بد نمی‌شم!

چون خدا می‌دانست که شمر این جنایت رو انجام میدهد، پس شمر شد بد، چون می‌دانست که سلمان به اون مرتبه ایمان می‌رسه، مرتبه دهم ایمان می‌رسه، شد سلمان. چون این علم خدا بود دیگه، نه این علت؟ خیر. علت چیه؟ علت اراده‌ای که خود عبد، انتخابی که خود عبد می‌کنه. یعنی در ارتباط با مسئله‌ای قرار می‌گیره، مختار، اختیارم یعنی «له ان یفعل، له ان لا یفعل» فعلی رو ترک بکنه، فعلی رو انجام بده، فعلی رو ترک بکنه، این مختار، در ارتباط با یک کاری قرار می‌گیره، دروغ بگم یا دروغ نگم، کار خوب انجام بدم یا کار خوب انجام ندم. اصل اختیار، جبر هست یعنی به جبر خدا مارو خلق کرده، به جبر مارو مختار قرار داده، اما این که در این اختیار، چه جوری کدوم مسیر رو انتخاب بکنیم این دست خودمون، من به ضرورت می‌فهمم مختارم. دوتا بچه‌ی دوقلو اند، تو یک خانواده‌اند، مادر و پدرش یکیه، یک جور تربیت شدند، می‌بینی که هرکدوم یک جور عمل می‌کنن. شبیه هم هستن ها! همین جور عمل می‌کنن. یک کسی در خانواده‌ی خوبه، یهو برمی‌گرده مثل پسر نوح، گمراه می‌شه، یک نفر در این خانواده بد، یهو برمی‌گرده مومن می‌شه، خب خودش انتخاب داره می‌کنه.

علت چیه؟ انتخاب خودش ، بله علل و عواملی در
انتخابش دخیل هست، علم داره اشراف داره، دوست
ناباب، حتی ذغال هم می‌گن، ذغال خوب هم بی تاثیر
نیست! این‌ها همه از عوامل و علل، اما این‌ها چی؟ باز هم
ولو این‌که ذغال خوب باشه، ولو این‌که دوست ناباب باشه
ممکنه طرف، طرف دود و دم از نوع ناجورش نره.
حالا خداوند متعال علم داره تو چی انتخاب می‌کنی، خدا
چون می‌دونه علت و نیست تو این‌طوری می‌گی، خدا
می‌دونه تو چی کارها داری می‌کنی.

مثال می‌زنم، شما کنار یک اتوبانی، یک بچه‌ی پنج‌شش
ساله می‌بینی بدو وسط اتوبان، یک ماشین هم با صد
و هفتاد تا داره میره، شما کنار اتوبان و ایسادی می‌بینی
اِه این داره میره، این هم داره می‌دوه، شما می‌گی با این
وضیعت که داره پیش میاد، این که داره می‌دوه این‌هم که
داره میره، یک ثانیه دیگه می‌زنه بچه رو له و لورده می‌کنه
و این میاد یک ثانیه دیگه می‌زنه بچه رو داغونش می‌کنه،
میکشش. حالا بنده که یک ثانیه قبل می‌دونستم، بنده
علت اینم که یک بچه کشته شد؟ نه، آن بابا خودش گاز
داده، اون بچه هم خودش دوییده، زدن به هم‌دیگه، من
آینده رو می‌دانم.